

# بررسی یک مطالعه‌ی تطبیقی برای همراهی با تغییر و تحول در نظام آموزشی ایران

**کلیدواژه‌ها:** برنامه‌ریزی، ژاپن، اصطلاحات آموزشی، نوسازی ژاپن، مطالعه تطبیقی.

## \* مرتضی مجتهدی \*

گفتمان اصلاح فرهنگی، گسترش مدارس جدید، تعمیم آموزش و پرورش و موفقیت در اصلاحات آموزشی را تبیین می‌کند.

مؤلف در این پژوهش کوشیده است نظام آموزش و پرورش را که ایفاگر مهم‌ترین نقش در مدرن‌سازی جامعه و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک ملت بوده است، معرفی کند. در عین حال، آن چه را که مایه و موجب اساسی این تحول بزرگ و پیشرفت همه‌جانبه است، بشناساند تا مورد بررسی دقیق و توجه عمیق قرار گیرد، از تجربه‌های آن بهره‌برداری شود و در صورت هماهنگی و سازگاری با شرایط فرهنگی و نظام ارزش‌های اجتماعی کشور، آن‌ها را بیاموزند و با رعایت همه‌ی جوانب اقتصادی و اجتماعی به‌کار بندند. پژوهش معرفی شده در این کتاب، برای تحقق اهداف فوق در چهار بخش زیر تهیه و تنظیم شده است:

- آموزش و پرورش و پژوهش تطبیقی؛
  - آموزش و پرورش ژاپن؛
  - آموزش و پرورش ایران؛
  - بررسی مقایسه‌ای آموزش و پرورش ژاپن و ایران و نتایج و رهیافت‌های آن.
- با بهره‌گیری از روش تحقیق مطلق (انتزاعی) در

این روزها بحث تحول و نوسازی در آموزش و پرورش در نظام تعلیم و تربیت کشورمان یک بحث اصلی است. در این ارتباط، امروزه در جهان مقالات و کتاب‌های فراوانی نوشته می‌شود و پژوهش‌های متعددی در شرف انجام است که می‌تواند فراروی محققان کشورمان، که درباره‌ی تحول در آموزش و پرورش کار می‌کنند، قرار گیرد. در این میان، توجه دقیق به تک‌نگاشت‌ها و آثاری که توسط کارشناسان آشنا به نظام آموزشی کشورمان درباره‌ی بحث تحول در سایر نظام‌های آموزشی نوشته شده است، می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد.

در کتاب اصلاحات آموزشی و مدرن‌سازی (با تأکید بر مطالعه‌ی تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن) تألیف دکتر آرانی آمده است:

" روند تاریخی انباشت سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی در ژاپن امروز با تأکید بر روش شناسی مواجهه و تعامل با فرهنگ و تمدن غرب تبیین می‌شود و تجربه‌های عمده‌ی ژاپن در مقایسه با ایران به بحث گذاشته می‌شود و با توجه به تقارن زمانی چشم‌گشودن جامعه‌ی ایران و ژاپن به سوی پیشرفت‌های حیرت‌آور غرب - به‌ویژه اروپا- روش‌های بهره‌گیری از دانش مغرب‌زمین و گسترش علم جدید، نوسازی اجتماعی، فرآیند، مدرن‌سازی، تغییر

آموزش و پرورش تطبیقی، پژوهش دکتر آرانی در قالب بخش‌هایی مبتنی بر مراحل روش پژوهش تطبیقی به کار رفته است و در این مطالعه ارائه می‌شود. به این ترتیب که بخش دوم و سوم آن به توصیف، تفسیر و هم‌جواری موضوع تحقیق اختصاص یافته است. اصلاحات آموزشی، تاریخ تحول، ساختار، سازمان و مدیریت، دشواری‌ها و راه‌حل‌های اصلاحی نظام آموزش و پرورش ژاپن و ایران در این دو بخش تبیین می‌گردد.

### تجربه‌ی ژاپن در سه دوره‌ی اصلاحات آموزشی یکی از ریشه‌های اساسی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آشکار می‌سازد و آن عبارت است از شرایط، زمینه‌ها، قابلیت‌ها و مدیریت اصلاحات آموزشی، به‌ویژه آن‌جا که با نوسازی اجتماعی و مواجهه با تحولات مغرب‌زمین در ارتباط است

بخش چهارم به مقایسه‌ی آموزش و پرورش ژاپن و ایران در زمینه‌های واکنش در مقابل نفوذ فرهنگ غرب، توجه به نقش آموزشی، اصول آموزشی، روش‌ها و برنامه‌ها، سازمان و مدیریت برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی، جایگاه و نقش معلم و روش‌شناسی اصلاحات آموزشی اختصاص دارد و در آن نتایج این مقایسه نیز تشریح می‌شود.

فصل سیزدهم و چهاردهم کتاب به تبیین نتایج بررسی مقایسه‌ای با عنوان رهیافت‌هایی برای نظام آموزشی و مؤسسات آموزشی اختصاص دارد و چشم‌اندازهای تازه‌ای را فراسوی مدیران کنونی، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان آموزش و پرورش ایران قرار می‌دهد. از مهم‌ترین چشم‌اندازهای مطرح شده، اصلاحات آموزشی و موفقیت در آن‌ها برای نوسازی اجتماعی و تحرک فرایند مدرن‌سازی است. مطالعه‌ی سیر تحول تاریخی آموزش و پرورش ژاپن در دوره‌های مختلف، به‌ویژه سه دوره اصلاحات اساسی در آموزش و پرورش، تجربه‌های روشنی را با ویژگی‌های خاص خود، فراروی ما قرار می‌دهد. در اولین دوره‌ی اصلاحات آموزشی، دولت تلاش کرد تا نظام آموزش و پرورش را بنیان گذارد تا بتواند زمینه‌های لازم را برای نوسازی جامعه فراهم سازد.

در این دوره، دولت با آگاهی و استقلال کامل به سراغ تجربه‌های جهانی رفت و از راهکارهای مختلفی

چون اعزام دانشجو به خارج، دعوت از دانشمندان خارجی و ترجمه‌ی کتاب‌ها و منابع خارجی در جذب دانش و فناوری کشورهای پیشرفته بهره گرفت. به علاوه، ژاپن در انتقال دانش و برنامه‌های آموزشی و فناوری برای بازسازی نظام علمی و آموزش و پرورش خود از تجربه‌های کشورهای مختلف جهان بهره‌برداری کرد و کوشید تا فقط از یک کشور الگو نگیرد و متناسب با نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود، ویژگی‌های سازنده نظام‌های مختلف آموزش و پرورش جهان پیشرفته را مورد توجه قرار دهد.

این نکته، نشان می‌دهد که ژاپنی‌ها در مواجهه با کشورهای پیشرفته‌ی غربی به خوبی از نیازهای خود آگاه بودند و با هدف‌های مشخصی به دنبال کسب تجربه و دانش مغرب‌زمین رفتند و برای ایجاد یک جامعه‌ی پیشرو و نیرومند تلاش کردند. ژاپنی‌ها در مواجهه با مغرب‌زمین، همواره نگران از دست رفتن ارزش‌های اخلاقی، هویت ملی و باورهای کهن خود بودند و آن‌گاه که دولت‌مردان، بنا به دلایل مختلف، از تأکید بر اخلاق ملی و هویت فرهنگی ژاپن غفلت می‌کردند، عموم مردم این وظیفه خفیه همگانی را یادآور می‌شدند و نسبت به رفتار دولت‌مردان خود واکنش نشان می‌دادند و بر هویت ملی و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی خود پای می‌فشردند.

ژاپنی‌ها هیچ‌گاه علاقه‌مندی خود را به سنت‌ها، ارزش‌های اجتماعی و هویت ملی پنهان نمی‌کردند. در عین حال لزوم کسب دانش و فناوری مغرب‌زمین را نیز به خوبی درک کرده بودند و زمینه‌های لازم را برای این مهم فراهم می‌آوردند. آن‌ها به‌خوبی دریافته بودند که روباوری با کشورهای پیشرفته در همه‌ی زمینه‌ها مستلزم توان علمی، فنی، فکری و معنوی فوق‌العاده‌ای است. بنابراین، تلاش می‌کردند تا از یک‌سو روح ژاپنی، ارزش‌ها و هویت ملی خود را حفظ کنند و گسترش دهند و از سوی دیگر، مُجدانه به کسب دانش و فناوری مغرب‌زمین بپردازند و زمینه‌های لازم را برای همگون‌سازی آن، با شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود فراهم سازند. آن‌ها در نوسازی مؤسسات آموزشی خود تمام توان خویش را به کار گرفتند تا هرچه بیش‌تر بر قابلیت‌های اجتماعی جذب دانش خارجی و ژاپنی ساختن آن‌چه وام گرفته‌اند، بیفزایند و به خوبی از مرحله‌ی تقلید عبور کنند و به ابتکار و خلاقیت لازم برسند.

اگرچه دومین دوره‌ی اصلاحات آموزشی در ژاپن

تحت رهبری آمریکا و به صورت انفعالی صورت گرفت و تا حدود زیادی تحمیلی بود و با اولین دوره اصلاحات آموزشی - که به طور مستقل و آگاهانه صورت گرفته بود - تفاوت‌های محسوسی داشت ولی ژاپنی‌ها به سرعت و به دنبال کسب استقلال و حاکمیت خود پس از جنگ جهانی دوم زمینه‌های لازم را برای تأکید بر هویت ملی و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی ژاپنی فراهم ساختند و بر پیوند روح ژاپنی با دانش غربی تأکید کردند. آن‌ها به سرعت توانستند میان حساسیت سنتی ژاپنی‌ها نسبت به هویت ملی فرهنگ بومی خود با مبانی مردم سالاری، آزادی‌های فردی و دانش مغرب زمین موازنه هوشمندانه‌ای برقرار کنند.

دو دوره‌ی اصلاحات آموزشی در ژاپن توانسته است مؤسسات آموزشی را از توسعه کمی و کیفی کم‌نظیری برخوردار سازد و اشتیاق عمومی را برای توجه به آموزش و پرورش، آموزش عالی و آموزش مداوم در عالی‌ترین سطح ممکن افزایش دهد. به علاوه، اصلاحات آموزشی دوران‌های قبل به خوبی با برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی آن‌ها ارتباط داشته و آن‌ها را بسیار کمک کرده است. از سوی دیگر، تعمیم آموزش و پرورش عمومی و افزایش کیفیت آن در سطوح مختلف، در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی ژاپن امروز نقش مؤثری داشته است. سومین دوره‌ی اصلاحات آموزشی در حالی شروع شده است که ژاپن برای هماهنگی با تحولات شتابان اقتصادی و صنعتی و آثار غیرقابل انکار آن بر فرهنگ و جامعه‌ی خود، الگویی برای پیروی یا کسب تجربه ندارد. ژاپن در حال گذر از یک کشور توسعه یافته به یک کشور پیشگام توسعه است و در پایان قرن بیستم به نقطه‌ای رسیده است که دیگر الگویی در جهان برای هدایت آن موجود نیست. این کشور برای هماهنگی با نیازهای متحول این دوران، باید برای یافتن الگویی متناسب با تحولات اقتصادی، صنعتی و اجتماعی خود تلاش کند.

بنابراین، ژاپن در سومین دوره‌ی اصلاحات آموزشی خود به دنبال بهبود ساختار، هدف‌ها، سیاست‌ها و اصول آموزش و پرورش عالی است تا بتواند در آغاز قرن بیست و یکم در همه‌ی زمینه‌ها الگوی مناسب خود را برای زندگی و بالندگی پیدا کند.

تجربه‌ی ژاپن در سه دوره‌ی اصلاحات آموزشی یکی از ریشه‌های اساسی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آشکار می‌سازد و آن عبارت است از شرایط، زمینه‌ها، قابلیت‌ها و مدیریت اصلاحات آموزشی، به ویژه آن‌جا که با نوسازی اجتماعی و مواجهه با تحولات مغرب زمین در ارتباط است.

در ایران عوامل سیاسی و اجتماعی بسیاری از جمله تجاوزهای روسیه و انگلستان موجب شد مدیران و اولیای امور کشور در دوره‌ی تاریخی مشابه ژاپن، متوجه پیشرفت‌های علمی و صنعتی جهان غرب شوند و این چنین، عمیقاً به اصلاح امور در همه‌ی زمینه‌ها، آن هم به سبک کشورهای قدرتمند، اشتیاق پیدا کنند. اعزام دانشجویان به خارج، استخدام مستشاران خارجی، تأسیس مدارس اروپایی در ایران و ورود مبلغان مذهبی اروپایی، سرآغاز ارتباط وسیع فرهنگی و سیاسی ایران با اروپا شد.

بهره‌گیری از دانش مغرب زمین و گسترش علوم جدید در دوره‌ای که ژاپن از غرب می‌آموخت، در ایران تابعی از کیفیت روابط سیاسی با کشورهای غربی بوده است.



ایران در داخل مغلوب تحولات علمی، نظامی، اقتصادی و سیاسی بیگانگان بود و از دیدگاه خارجیان صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ جهان محسوب می‌شد.

برنامه‌ریزی‌های سیاسی و فرهنگی ایران هیچ‌گاه نمی‌توانست مستقل انجام شود. برنامه‌های اصلاحی و توسعه‌ی آموزش و پرورش بیش‌تر بر دیدگاه‌های شخصی افراد تکیه داشت و به شدت تحت نظر بیگانگان بود و به جهت ضعف و تنگناهای اقتصادی و علمی و فرهنگی - هم‌چون تأسیس دارالفنون - قبل از آن‌که بتواند جای مناسب خود را در عرصه‌ی تحولات فرهنگی و علمی پیدا کند، به شکل مرموزی محکوم به شکست بود.

در تقابل فرهنگی و تمدن مغرب‌زمین با ایران در دوره‌های مختلف، سیاست تسلط، قهر، نفوذ و مداخله در زندگی اجتماعی مردم دنبال شد و نه تنها ارزش‌های مذهبی و فرهنگ ملی تقویت نگردید، بلکه کوشش شد تا این ارزش‌ها هرچه بیش‌تر از صحنه‌ی زندگی مردم کنار گذاشته شوند. کوشش‌های علمی و فرهنگی زیربنایی محکوم به شکست بود و برنامه‌های اصلاحی بیش‌تر متوجه اصلاحات ظاهری بود تا سازندگی بنیانی. این کوشش‌ها به دلیل تناسب نداشتن با نظام ارزش‌ها و نیازهای مردم، موفقیت مورد انتظار را به همراه نداشت و بر خود باختگی و نداشتن اعتماد به نفس عمومی افزود و شرایط اجتماعی حضور فرهنگ غرب را هموار ساخت.

بنابراین، صیانت از نظام ارزش‌های جامعه، اعتماد به نفس، اتکای به خویش، حفظ، گسترش و آموزش ارزش‌های اجتماعی و ملی به نسل‌های آینده، پافشاری بر حراست از فرهنگ ملی جامعه در تعامل با فرهنگ بیگانه، مقابله با مداخله‌ی بیگانگان در امور داخلی کشور و تضمین استقلال کشور از عوامل اساسی پیشرفت فرهنگی و اجتماعی هر جامعه به‌شمار می‌آید.

کوشش در هماهنگی نظام آموزش و پرورش با انتظارات مردم در جنبه‌های مختلف زندگی، به علاوه انتخاب راه مناسب برای ترویج فرهنگ و ارزش‌های بومی با دانش پیشرفته جدید و کوشش در اکتساب، همگون‌سازی و توسعه‌ی آن، شرط اساسی توسعه‌ی جامعه و رمز اصلی سازگاری برنامه‌های آموزش و پرورش با نیازها و ضرورت‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر جدید محسوب می‌شود.

سیاست اصولی توجه به ارزش‌های فرهنگی و ملی

**در ژاپن اصلاحات آموزش بر پایه‌ی پژوهش‌های معتبر علمی، بهره‌گیری از تجربه‌های بین‌المللی و استفاده از تجربه‌های به‌دست آمده از اصلاحات آموزش دوره‌های گذشته صورت می‌گیرد. این روش اصلاح آموزشی، بیش از هر چیز توجه و مشارکت عمومی و سرمایه‌های اجتماعی لازم را برای نیازسنجی، ارزش‌یابی و بازنگری اثربخش برنامه‌های آموزشی، برنامه‌ی درسی ملی و محتوای آموزشی به همراه دارد**

و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ژاپن، همراه با کوشش پی‌گیر در جذب، همگون‌سازی و توسعه‌ی دانش و فناوری جدید - بر اساس حرکت از تقلید به ابتکار - همیشه مورد توجه بوده است و عنصر اساسی اصلاحات آموزش و پرورش قبل و بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم به‌شمار می‌رود.

در ژاپن اصلاحات آموزش بر پایه‌ی پژوهش‌های معتبر علمی، بهره‌گیری از تجربه‌های بین‌المللی و استفاده از تجربه‌های به‌دست آمده از اصلاحات آموزش دوره‌های گذشته صورت می‌گیرد. این روش اصلاح آموزشی، بیش از هر چیز توجه و مشارکت عمومی و سرمایه‌های اجتماعی لازم را برای نیازسنجی، ارزش‌یابی و بازنگری اثربخش برنامه‌های آموزشی، برنامه‌ی درسی ملی و محتوای آموزشی به همراه دارد.